

Research Article

Juridical and Legal Challenges of the Diyat System and Compensation

Hosein kulivand^۱-esmaeil aghababaei bani^۲-vahid nekoonam^۳

Recieved: ۲۰۲۲/۱۲/۲۸

Accepted: ۲۰۲۳/۰۱/۲۶

Abstract

The need for physical compensation guides different legal systems to define and explain mechanisms for physical compensation in the meantime the practices and mechanisms adopted in each country must on the one hand be consistent with the general rules and structure of its legal system and on the other hand be able to provide the best solution.

In the contemporary legal system the payment of blood money for physical damage is exclusive to Islamic jurisprudence and in other jurisdictions the only cost to the injured person is the cost of his /her burial if the victim dies immediately blood money system as a signing warrant in Islam is the main basis of physical damage atonement in Iran. Since the time of changing the system of physical damage atonement in Iran and passing the law of punishments and retaliation in ۱۳۶۱ until now, there are some significant challenges in the field of blood money as the main challenge are addressed. On the other hand, during the years of accepting the blood money systems in Iran, there have been some alterations and reformations of legislation in this filed. If the blood money institution can pass from its internal challenges and if it ends the internal conflicts and defines a clear and specific filed, it would be introduced globally as the first level physical damage.

Keywords: physical damages, blood-money system in Iran, blood-money challenges, blood-moneys

^۱ PhD Student in Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
(Corresponding Author) kulivand۱۳۹۳@gmail.com--۰۹۱۰۸۰۰۵۱۱۰

^۲ Assistant Professor, Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran

^۳ Assistant Professor, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran



مقاله پژوهشی

چالش های فقهی و حقوقی نظام دیه و جبران خسارت

حسین کولیوند^۱، اسماعیل آقابابائی بنی^۲، وحید نکونام^۳

چکیده

لزوم جبران خسارات بدنی، نظام های حقوقی مختلف را به سمت تعریف، تعیین و تبیین سازوکارهای لازم، برای جبران خسارات بدنی هدایت کرده است. در این بین شیوه ها و سازوکارهای مورد پذیرش در هر کشوری، از یک طرف بایستی با قواعد کلی و ساختار نظام حقوقی آن سازگار بوده و از طرف دیگر، بتواند بهترین راه حل را برای جبران خسارات بدنی ارائه دهد. پرداخت دیه در قبال خسارت بدنی، در نظام های حقوقی معاصر، منحصر به فقه اسلامی است و در سایر نظام های حقوقی، در صورتی که مصدوم بلافاصله فوت شود، تنها هزینه کفن و دفن او بر عهده آسیب رساننده است، نظام دیه به عنوان یک حکم امضائی در اسلام، مبنای اصلی جبران خسارات بدنی در ایران است. از زمان تغییر نظام جبران خسارت بدنی در ایران و تصویب قانون حدود و قصاص در سال ۱۳۶۱ تاکنون، چالش های مهمی در حوزه دیه به عنوان چالش اصلی مطرح بوده اند. از طرف دیگر، در طی سال های پذیرش نظام دیه در ایران، برخی از تغییرات و اصلاحات قانونگذاری در طول زمان در همین راستا وجود داشته است چنانچه نهاد دیه، بتواند از چالش های درونی خود گذر کرده و به اختلاف نظرهای درونی خود خاتمه داده و قلمرو دقیق و مشخصی را از خود تبیین و تعریف کند، می تواند به عنوان الگویی برای سطح اول خسارت بدنی در جهان نیز معرفی گردد.

واژگان کلیدی

خسارت بدنی، نظام دیه ایران، چالش های دیه، قانون دیات

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) -kulivand1393@gmail.com-

۰۹۱۰۸۰۵۱۱۰

^۲ استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

^۳ استادیار دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران

وفق ماده ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی: «دیة مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است». دیه برای ایفای چنین نقشی با دو دسته از چالش‌های مهم و اساسی روبروست، از یک طرف در یک تحلیل درونی، نظام دیه به عنوان یک نظام استاندارد جبران خسارت بدنی که بتواند نیازهای موجود را برطرف سازد، با یک سری ابهامات در سطح کلان و همچنین در سطوح جزئی روبروست که باید بتواند با پاسخگویی مناسب به این ابهامات و مرتفع نمودن آنها، از عهده این مهم برآید.

از طرف دیگر، در طی سالهای پذیرش نظام دیه در ایران، برخی از تغییرات و اصلاحات قانونگذاری در طول زمان در همین راستا وجود داشته است. کاهش تأثیر جنسیت و دین در تعیین میزان دیه در برخی از موارد، از جمله مهم‌ترین این موردها هستند. چنانچه نظام دیه بتواند بر چالش‌های درونی خود فائق آید و پاسخگوی مناسبی برای تمامی سؤالات این حوزه و رفع چالش‌های درونی خود باشد، می‌تواند در بعد بیرونی نیز در قیاس با سایر نظام‌های جبران خسارت بدنی در جهان و هم چنین یک سری الزامات و استانداردهای بین‌المللی به عنوان یک نظام جبران خسارت موفق، خود را جلوه دهد، در غیر این صورت نباید چنین توقعی را از این نظام جبران خسارت داشت.

در حقوق قاعده‌ای وجود دارد که بر طبق آن، همه خسارت وارده به زیان‌دیده، باید از سوی عامل زیان جبران گردد و هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند. این قاعده، کلی است و اختصاص به جبران خسارت در باب خاصی ندارد و در بین همه انواع خسارت اعم از اینکه مالی باشد یا غیرمالی یا معنوی و خسارت بدنی مشترک است. (بابایی، ۱۳۸۹، ۵). این قاعده زمانی الزام‌آور می‌شود که در ابتدا خسارتی به وجود آمده باشد، در این صورت فرقی نخواهد بود بین اینکه خسارت به تبع یک جرم حاصل شده باشد یا اینکه ریشه آن یک مسئله مدنی باشد. این اصل در تمام سیستم‌های حقوقی پذیرفته شده است (شمس، ۱۳۹۲، ۱، ۱۱۷).

از نظر قانونی، در بند الف ماده یک قانون بیمه اجباری، خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵، خسارت بدنی به این صورت تعریف شده است: «هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع خسارت به بدن مانند شکستگی، نقص و ازکارافتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی و موقت یا دائم، دیه فوت و هزینه معالجه با رعایت ماده (۳۵) این قانون به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون». ابهامی که در این قانون وجود دارد این است که ماده مذکور، خسارت بدنی را هر نوع دیه یا ارش ناشی از خسارت می‌داند، در حالی که دیه و ارش خسارت، خسارت بدنی نیستند، بلکه خسارت به معنای غرامت و وسیله جبران خسارت بدنی هستند (احمدی، ۱۳۹۶، ۲۶).

اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که نظام دیه از گذشته در فقه مطرح بوده و با وقوع انقلاب اسلامی به قوانین کیفری راه یافته است، به دلیل ناظر بودن برخی احکام و آورده‌های قانون به مسائل گذشته، هم اکنون در مرحله اجرا و با توجه به یافته‌های علوم پزشکی با چالش‌های مختلفی مواجه شدیم که ضروری است در خصوص آنها تعیین تکلیف گردد. اهدافی که این پژوهش درصدد دنبال کردن آن می‌باشد شامل شناخت چالش‌های مبحث دیه، راهکارهای برون رفت از آن در نظام حقوقی ایران و ارائه راه حل‌های لازم و ضروری در خصوص موارد اختلافی در خصوص دیه برای قضات و وکلای می‌باشد. سوال اصلی تحقیق این است که چگونه می‌توان بین آورده‌های فقه، مواد قانونی و یافته‌های علوم پزشکی به خصوص در مواردی که ناسازگاری در حد گسترده است، راه حلی را یافت که اهداف فقه، قانون و یافته‌های علمی را برآورده سازد؟ روش شناسی این پژوهش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد، در این نوشتار ابتدا به ماهیت دیه پرداخته و سپس چالش‌های نظام دیه را برای رسیدن به یک جبران خسارت بدنی واقعی و عادلانه مورد بررسی قرار داده ایم.

۲. ماهیت دیه

پرداخت دیه در قبال خسارت بدنی، در نظام‌های حقوقی معاصر، منحصر به فقه اسلامی است و در سایر نظام‌های حقوقی، در صورتی که مصدوم بلافاصله فوت شود، تنها هزینه کفن و دفن او بر عهده آسیب رساننده است. هر چند بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در زمان گذشته، دیه به نوعی در میان تمام اقوام از قبیل قوم بابل و آشور، مردم یونان و در رم قدیم و کشورهای آنگلساکسون وجود داشته و در کتب ادیان گذشته مانند تورات و انجیل هم مطرح بوده است (ابن ادریس، ۱۳۷۲، ۵۳)، حکم شارع به پرداخت دیه توسط عاقله در موارد جنایات خطایی، ماهیت خسارتی آن را تأیید می‌کند. زیرا اگر دیه مجازات باشد، خلاف مسلمات فقه اسلامی است که بر دیگری تحمیل شود و عادلانه نیست که مجازات مجرم بر عاقله او تحمیل گردد. (سراج، ۱۴۱۴،

(۱۵۲)، وجه دیگری که برای اثبات خسارت بودن دیه ابراز شده، تعریف بعضی از فقهاست که دیه را به عوض نفس یا عضو ناقص تعریف کرده اند (شهید ثانی، بی تا، ۴۲۱)، دلیل دیگر که ظهور در خسارت بودن دیه دارد، روایات باب دیه است که در بسیاری از آنها به ضمان تعبیر شده است. به عنوان نمونه در صحیح حلی از امام صادق (ع) نقل شده است: هر کس دیگری را که بر روی دیوار است بترساند و یا موجب رمیدن مرکب او گردد و در نتیجه او بیفتد و بمیرد، ضمان دیه اوست و اگر عضوی از اعضای بدنش شکسته شود، ضمان دیه عضو شکسته شده می باشد^۱ (معزی ملایری، ۱۳۷۳، ۳۴۱، ۲۶). در نتیجه، آنچه از مطالب فوق می توان استنباط کرد این است که دیه را بایستی خسارت دانست که ظهور در ضمان مالی داشته و وجوب آن از نظر شارع، نه از باب مجازات بلکه به جهت جبران ضرر بوده است و به تبعیت از فقه، قانون گذار نیز، در ماده ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی در تعریفی که از دیه نموده است، دیه را به عنوان مال معرفی کرده است.

۳. چالش ها:

۳.۱. چالش مصادیق دیه

یکی از چالشهای مهم دیه، در طول زمان این بوده است که دیه به چه صورتی باید پرداخت شود، آیا باید عین موارد تعیین شده در شرع باشد و یا می توان عوض و معادل آن را پرداخت کرد. ظاهر در این است که موارد شش گانه هیچ یک موضوعیت ندارد و اجبار محکوم به پرداخت یکی از آنها ممکن نیست (طالع زاری، ۱۳۹۶، ۴۱).

این چالش که با تغییر قوانین کیفری پس از انقلاب، نقدهای بسیاری را به دنبال داشت، در نهایت به تبعیت از از برخی آرای فقهی که اقلام شش گانه را دارای موضوعیت نمی دانستند، در سال ۱۳۹۲ تغییر یافت.

وفق ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی این مشکل را حل شده است: «موارد دیه کامل، همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه به تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می شود». در این ماده ضمن احترام به موارد تعیین شده در شرع، در عمل آن چیزی که پرداخت می گردد، معادل ریالی آن است که هر ساله تعیین می شود و باید گفت از این حیث، این چالش خاتمه یافته است.

۳.۲. چالش اعمال دیه نفس بر برخی از اعضاء

یکی از مهمترین چالشهایی که نظام جبران خسارت ایران با آن روبروست، در خصوص اعمال دیه نفس بر برخی از اعضاء است، که در مواردی شخص محکوم را در وضعیت بسیار سختی قرار می دهد، به نحوی که در موارد آسیب های بدنی شدید ناشی از جنایات غیر عمدی و به خصوص تصادفات رانندگی، تمایل به سمتی است که مجنی علیه فوت نماید تا شخص محکوم به جای پرداخت چندین دیه عضو، یک دیه نفس برای فوت پرداخت نماید. قاعده دیهی اعضای یکی و دوتایی: این قاعده بیان می کند که: «هر عضوی که در انسان از آن دوتا وجود داشته باشد در آن دو دیهی کامل است و در یکی از آن ها نصف دیه و هر عضوی که واحد باشد در آن دیهی کامل است». طبق این قاعده، جنایت بر هر عضوی از اعضای انسان که زوج باشد مثل دست و پا و چشم و گوش، در صورتی که منجر به از بین رفتن هر دو شود، موجب دیهی کامل و در صورتی که بر یکی از آن دو باشد موجب نصف دیهی کامل است و جنایت بر هر عضوی که فرد باشد مانند زبان و آلت تناسلی موجب دیهی کامل می باشد. مستند این قاعده از دیدگاه امامیه حدیثی است که «هشام بن سالم» و «عبد الله بن سنان» از امام صادق (ع) روایت کرده اند؛ متن این حدیث به شرح زیر است:

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: كُلُّ مَا كَانَ فِي الْإِنْسَانِ اثْنَانِ فَفِيهِمَا الدِّيَةُ وَ فِي أَحَدِهِمَا نِصْفُ الدِّيَةِ وَ مَا كَانَ فِيهِ وَاحِدٌ فَفِيهِ الدِّيَةُ» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۲۸۷).

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَا كَانَ فِي الْجَسَدِ مِنْهُ اثْنَانِ فَفِيهِ نِصْفُ الدِّيَةِ مِثْلُ الْيَدَيْنِ وَالْعَيْنَيْنِ، قَالَ: قُلْتُ: رَجُلٌ قُتِلَتْ عَيْنُهُ؟ قَالَ: نِصْفُ الدِّيَةِ، قُلْتُ: فَرَجُلٌ قُطِعَتْ يَدُهُ؟ قَالَ: فِيهِ نِصْفُ الدِّيَةِ ...» (عاملی، ۱۴۱۶، ۲۸۳). بعضی از فقهای امامیه با استناد به همین قاعده برای برخی از منافع قائل به دیهی کامل شده اند؛ مثلاً «علامه حلی» در مورد حس چشایی می گوید: «در حس چشایی دیهی کامل است زیرا منفعتی واحد در انسان است پس در عمومیت این روایت داخل است که: هر چه در انسان یکی از آن وجود داشته باشد، در آن دیهی کامل است» (علامه حلی، ۱۴۰۹، ۵۶۱۲). از جمله قواعد دیگری که فقهای امامیه براساس آن برای جنایت بر عضو قائل به دیه مقدر شده اند می توان

^۱ ای رجل فزع رجلا علی الجدار او نفر به عن دابة فخر فمات فهو ضامن لدیته. فان انكسر فهو ضامن لدیه ما ينكسر منه

به قواعد زیر اشاره کرد: شکستن استخوان هر عضو، موجب یک پنجم دیه همان عضو است، و اگر بدون عیب بهبود یابد، چهار پنجم دیه شکستن استخوان ثابت می‌شود، در موضعه عضو یک چهارم دیه شکستن آن ثابت می‌شود، اگر استخوان کوفته گردد یک سوم دیه همان عضو ثابت است، در رفتگی استخوان از مفصل، به نحوی که آن عضو از کار بیافتد، موجب دو سوم دیه آن عضو است زیرا این حالت در حکم شلل است، و اگر از کار نیافتد ارش واجب می‌شود و اگر بدون عیب بهبود یابد چهار پنجم دیه در رفتگی ثابت است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۱۱، ۳۸۸-۳۸۷). چالش مهم و اساسی در مورد جانیاتی است که منجر به فوت مجنی‌علیه نشده است، لیکن مجموع دیه‌هایی که به اعضاء و یا منافع تعلق گرفته است، چندین برابر دیه نفس است. در حالی که نه شخص محکوم توانایی پرداخت آن دارد و نه اینکه پوشش‌های بیمه تا چنین سقفی را شامل می‌شوند.

۳.۳. چالش تغییرات

یکی از چالش‌های مهم دیه در نظام حقوقی ایران، چالش مرتبط با تغییرات حاصل در وضعیت جسمی مجنی‌علیه در طول زمان است که خسارات بدنی ممکن است افزایش و یا کاهش یابد. تغییرات حاصل در خسارت را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به تغییرات درونی و تغییرات بیرونی تقسیم کرد (محمودیان اصفهانی، همان). منظور از تغییرات درونی خسارت، تغییرات ذاتی و جوهری خسارت است و به عبارت دیگر گستره خسارت را شامل می‌شود. تغییرات درونی خسارت، شامل کاهش و افزایش می‌شود. به بیان دیگر، حتی عدم انتساب بخشی از خسارت به عامل زیان نیز در نگاه ما جزئی از تغییرات درونی و ذیل عنوان کاهش خسارت است، چرا که تغییرات درونی خسارت، گستره خسارت را شامل می‌شود و انتساب زیان نیز می‌تواند بخشی از آن باشد.

در برخی موارد زیان وارده، منجر به مرگ مدعی می‌شود، اما این بلافاصله پس از وقوع زیان اتفاق نمی‌افتد. بدین معنا که گاهی جراحاتی به فرد وارد می‌شود و او تا زمان صدور حکم و قطعی شدن آن نیز به زندگی خود ادامه می‌دهد، اما پس از مدتی به واسطه همان جراحات فوت می‌کند. همانطور که میدانیم گاهی خسارت فرد مصدوم از دیه مرگ او نیز بیشتر می‌شود، به طوری که اگر زیان دیده فوت می‌کرد، عامل زیان، جبران خسارت کمتری را متحمل می‌شد. به عنوان مثال اگر زیان دیده، بینایی خود را از دست بدهد و در کنار آن قطع نخاع نیز بشود، می‌تواند دو دیه کامل را مطالبه کند (صادقی، ۱۳۹۴، ۳۱۴) در صورتی که اگر فوت می‌کرد یک دیه به او تعلق می‌گرفت یا در جایی که زیان دیده برای ادامه حیات، نیاز به هزینه‌های درمانی زیادی دارد، مرگ او می‌تواند هزینه‌های عامل زیان را کاهش دهد.

گذشته از تغییراتی که در خود خسارت ایجاد می‌شود، در بعضی مواقع زیان جدیدی که به نوبه خود ناشی از همان فعل عامل زیان است، کشف می‌شود. منظور از زیان جدید به این معناست که خسارت آشکار شده، مورد حکم دادگاه قرار نگرفته است و در ارزیابی دادگاه لحاظ نشده است. برای نمونه، در اثر فعل زیانبار فرد مصدوم، چشم خود را از دست دهد و متعاقب آن نیز حکم صادر می‌شود، اما در آینده مشخص می‌شود که در زمان وقوع حادثه، پرده گوش زیان دیده نیز، پاره شده که در زمان ارزیابی از نظر دادگاه پنهان مانده است. در مثال دیگر، فردی که دچار شکستگی لگن شده است، پس از گذشت مدت زمانی و با مراجعه به پزشک، متوجه می‌شود در اثر خسارت گذشته، دچار نارسایی کلیه شده است. (همان). در این صورت نیز با زیانی جبران نشده مواجه هستیم، که طبیعتاً نمی‌تواند بدون جبران باقی بماند. در این مورد زیان دیده می‌تواند با تقدیم دادخواست به دادگاه حقوقی، زیان ارزیابی نشده را مطالبه کند. علاوه بر شناسایی این تغییرات، مسأله مهمتر، قابلیت انتساب این موارد به عامل زیان است. به بیان دیگر باید دید که آیا تغییرات حاصل در خسارت خصوصاً در موارد افزایش خسارت قابل انتساب به عامل زیان و فعل او است یا خیر؟ آنچه به طور مختصر از رابطه سببیت می‌توان بیان کرد این است که زیان وارده باید از فعل عامل زیان ناشی شده باشد. خسارت اولیه که مورد حکم دادگاه قرار گرفته، پس از اثبات رابطه سببیت بوده است، اما تغییرات ایجاد شده در خسارت نیز باید منتسب به عامل زیان باشد. در فرض افزایش خسارت، آنچه که رابطه سببیت را از بین می‌برد، عمل زیان دیده است. با این توضیح که افزایش خسارت در صورتی که عامل زیان مربوط می‌شود که زیان دیده نیز، تمام اقدامات لازم متعارف را در جهت بهبود خود انجام داده باشد (حاجی عزیزی، غالمی، ۱۳۹۲، ۳۳) چالش مهم و اساسی در این خصوص، این است که نظام تعیین خسارت جسمی بر مبنای دیه، در موارد تغییرات آسیب‌های جسمانی با طرح دعاوی جدید و مختلفی در دستگاه قضایی تحت عناوین: تغییر، افزایش و یا کاهش خسارت جسمی روبرو می‌شود، از طرف دیگر تعیین یک مقدار مشخص و معلوم از قبل، به خودی خود با جبران واقعی خسارت در بیشتر موارد، مطابقت ندارد.

۳.۴. چالش در تعریف عضو

یکی از چالش‌های مهم دیه در تعریف «عضو» است، چراکه به نظر می‌رسد به دلیل عدم تعریف «عضو» توسط قانونگذار، شناسایی «اعضای داخلی»، در پاره‌ای از موارد، مهم و مشکل باشد. ضمناً، اهمیت این شناسایی از آن رو قابل توجه و مفید است که در

صورت عضو بودن، نصف دیه یا دیه کامل تعلق خواهد گرفت و درحالتی که «عضو» محسوب نگردد، حکم ارش جاری خواهد شد. بدین جهت این سؤال به این شکل مطرح می‌گردد که آیا مفهوم عضو، در ماده ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی منطبق بر تعریف پزشکی است یا تعریف دیگری مدنظر قانونگذار است. عضو در اصطلاح پزشکی عبارت است از: «ساختار تمایز یافته‌ی یک سازواره، متشکل از سلول‌ها یا بافت‌های متعدد، که برای انجام یک کار خاص تطابق یافته‌اند. (مردوخ، ۱۳۷۵، ۱، ۳۲۶). بعضی معیار عضو را «رفع حاجت ضروری» دانسته‌اند و معتقدند مقصود از عضو، جزئی از اجزای بدن است که رفع حاجت ضروری انسان را بکند، مانند دست و پا و چشم و زبان و پستان زن شیرده و انگشت ابهام برای صنعتگر، اما دندان را به طور کلی نمی‌توان عضو دانست و همچنین قطع لاله گوش قطع عضو نیست. (علی محمدی، ۱۳۹۴، ۱۶). مطابق با این نظر اگر بعضی از اعضای داخلی برای رفع حاجت، ضروری نباشند «عضو» محسوب نمی‌گردند و در نتیجه مشمول حکم ماده ۵۶۳ هم نخواهند بود و حتی موجبی برای پرداخت ارش هم که به سبب جنایت بر «عضو» است نخواهد شد. مانند درآوردن غده ی آپاندیس یا طحال یا خارج نمودن رحم در خانمی که به سن یائسگی رسیده است.

لازم به ذکر است که فقهاء تقریباً در مورد دیه‌ی جراحات وارده به اعضای مختلف بدن اعم از دست و پا و آلت تناسلی و اعضای داخل دهان و غیره به تفصیل سخن گفته‌اند و تنها اعضایی که در مورد دیه‌ی آن‌ها بحثی به میان نیامده، اعضای داخل جوف است که در مورد جنایت بر آن‌ها در متون فقهی تنها اشاره‌ای گذرا و گنگ می‌توان یافت، که مقصود فقهاء از عضو داخلی، همان اعضایی است که در جوف وجود دارد، همچون قلب، ریه‌ها، کبد، طحال و رحم و غیره، و بعضاً از اصطلاح «اعضای جوف» (المآوردی، ۱۴۱۹، ۱۲، ۲۴۱) نیز استفاده شده است. بیش تر فقهای معاصر این قاعده را در مورد اعضای داخلی نیز جاری می‌دانند. در این زمینه می‌توان به مرحوم آیت الله سید عبدالعلی سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۷، ۲۷۱) و حضرات آیات بهجت، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی و صانعی (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۲، ۲۰۹-۲۰۸) اشاره کرد. دلیل این دسته از فقهاء، عمومیت دو حدیث صحیح هاشم و عبدالله بن سنان است که شامل هر عضوی از اعضای بدن اعم از ظاهری و داخلی می‌شود. از نظر قانونی برای حل این چالش، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قاعده‌ی اعضای زوج و فرد به صورت مقرره‌ای مستقل، وضع گردید و به دنبال آن حکم اعضای داخلی با وضعیت جدیدی درمقایسه با گذشته روبه‌رو شد. وفق ماده ۵۶۳: «از بین بردن هر یک از اعضای فرد و هر دو عضو از اعضای زوج دیه کامل و از بین بردن هریک از اعضای زوج نصف دیه کامل خواهد داشت، خواه عضو مزبور از اعضای داخلی بدن باشد خواه از اعضای ظاهری، مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد». به نظر می‌رسد منطقاً دو حالت «بقا» و «عدم بقا» عضو داخلی در بدن در فرضی که بقای آن عضو هیچ گونه کارایی ندارد، مساوی است و قائل شدن به افتراق میان آنها بلا وجه است. لذا با توجه به اینکه در عصر حاضر امکانات تشخیص پزشکی برخلاف زمان صدور صحیحین مبنای ماده ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی، پیشرفت تخصصی فزاینده‌ای نموده است، بدین ترتیب، عبارت «از بین رفتن عضو» در اطلاق آن شامل بقا و عدم بقای عضو در باطن بدن است (محمودیان اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۶، ۴۰-۹) هرچند با توجه به تعدد اعضای درونی و حتی بیرونی بدن، هنوز هم مشکل تعریف عضو به قوت خود باقی است.

۳.۵. چالش مغایرتهای قانون مجازات اسلامی در احکام دیه با علم پزشکی

یکی از مهمترین چالش‌هایی که نظام دیه مقرر در قانون مجازات اسلامی با آن روبروست، این است که برخی از احکام آن با واقعیه‌های علم پزشکی سازگاری ندارد. برای نمونه در این خصوص می‌توانیم، حکم مقرر در ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی را بررسی نماییم. وفق این ماده: «قطع دو بیضه یکباره دیه کامل و قطع بیضه چپ، دو ثلث دیه و قطع بیضه راست، ثلث دیه دارد. تبصره: فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست»

مقنن براساس برخی روایات وارده، در دیه بیضه راست ثلث و دیه چپ دو ثلث دیه انسان کامل قرار داده شده است. اما این تفاوت از نظر علم پزشکی صحیح نیست و از سوی دیگر با روایات دیگر که مرجع هستند، قواعد مسلم و عام دیات در اعضا نیز در تعارض می‌باشد. دو بیضه نیز مانند سایر اعضای دو فردی بدن انسان است و مانند آنها باید دارای دیه مساوی باشند و لذا تا دلیل متقنی نباشد این ترجیح بلامرجع است و مآلاً باید این ماده قانونی اصلاح شود. برخی از فقیهان در خصوص تمایز دیه و تعلیل آن، رأی به تساوی دارند. ابن ادریس نیز قائل به تساوی دیه است و در خصوص رأی برخی به تفاوت دیه انتقاد می‌نماید و معتقد است دلیلی که این روایت را معاضدت نماید، نیست. (ابن ادریس، ۳۶۲، ۲۵، ۱۴۱۰).

محقق حلی با رأی به تساوی با ذکر نظریه تفاضل و رد آن، معتقد است که روایت حسنه است، اما چون متضمن عدول از روایات مشهوری است که در این خصوص وارد شده است لذا قابل اعتنا نمی‌باشد. ایشان در کتاب مختصرالنافع، این نظر را تکرار نموده

است (ابن ادریس، ۴۷۹-علامه الحلی، ۶۱۲- شهید اول، ۱۹، ۲، ۱۹۸۰). علیرغم التفات به روایت وارده و ذکر آن، رأی به تساوی دیه داده است. شهید در غایه المراد معتقد است: متقدمین این نظریه را نداشته‌اند ضمن آنکه اطبا نیز چنین حکمی ندارند، شهید ثانی در روضه (العاملی، ۱۴۱۲، ۲) و مسالک (العاملی، ۱۰، ۱۴۱۳، ۱۹۹) به پیروی از ایشان و با استناد به نظر اطبا، نظر به تساوی می دهند، مضافاً آنکه شیخ مفید در مقنعه به استدلال تحقق ولد از بیضه چپ خدشه نموده و معتقد است روایت عبدالله غیر صحیح و در نزد او مثبت ادعایی نیست و در سرائر نیز دلیلی برای این نظریه اعلام نمی‌شود و مهم تر آنکه علیرغم شهرت این روایت این دسته از فقیهان از آن اعراض نموده اند و آنکه اصل برائت نیز معین نظریه تساوی است و حال آنکه در سایر موارد مانند پستانها حکم به تساوی داده شده است. (فروتن؛ روشن، ۱۳۸۹، ۱۷۳). پس نظر اکثر فقها اعتقاد به تنصیف است، زیرا وقتی که دیه بیضتین یک دیه انسان کامل است علی القاعده برای هر یک باید تنصیف صورت گیرد و لذا باید بنابر نظر مشهور قائل به تساوی شد.

۳،۶. چالش تردید در سلامت عضو و مفهوم سلامت

دیه عضو سالم با عضو ناسالم تفاوت معنادار زیادی دارد. دو مشکل و چالش اساسی در این خصوص وجود دارد، اول این که در تعریف عضو سالم اختلاف نظر وجود دارد و دوم اینکه در خصوص سالم بودن و یا نبودن ممکن است تردیدهایی حاصل شود. از طرف دیگر، یک عضو ناسالم ممکن است برای دارنده آن عضو، بسیار مهم تر و اساسی تر از یک عضو سالم برای شخصی دیگر باشد. فقه‌های امامیه معتقدند: اعضایی که سالم بودن آن‌ها مشکوک است مثل برخی اعضای طفل، اصل بر سالم بودن آن‌ها است و از بین بردن آن‌ها موجب دیهی مقدر خواهد بود، نه حکومت زیرا اصل در اعضای انسان سالم بودن آن‌ها است و عدم آن باید ثابت شود. (محقق الحلی، ۱۴۰۸، ۴، ۱۰۳۳).

۳،۷. ذکر نکردن دیه برخی اعضا

ماده ۶۶۹ قانون مجازات مقرر می دارد: «قطع و از بین بردن هر یک از دو پستان زن، موجب نصف دیه کامل زن، و از بین بردن مقداری از آن به همان نسبت موجب دیه است و اگر همراه با از بین رفتن تمام یا بخشی از پستان مقداری از پوست یا گوشت اطراف آن هم از بین برود یا موجب جنایت دیگری گردد، علاوه بر دیه پستان، دیه یا ارش جنایت مزبور نیز باید پرداخت شود». ماده ۶۷۰ مقرر می دارد: «در قطع کردن شیر پستان زن یا از بین بردن قدرت تولید شیر یا متعذر کردن خروج شیر از پستان و یا ایجاد هر نقص دیگری در آن، ارش ثابت است». علی رغم ذکر دیه پستان زن و بیان فروض متعدد آن در مواد فوق، قانون گذار اشاره ای به دیه پستان مرد نکرده است. همچنین در کتاب دیات اسمی از دیه الیتین (کفل‌ها) نیامده و قانون مجازات اسلامی در این زمینه ساکت است، اما در فقه به استناد قاعده اعضای دوتایی، دیه کامل برای آنها در نظر گرفته شده است. (خویی، ۱۳۹۶، ۳۱۴)

۳،۸. امکان جبران واقعی خسارت بدنی

اگر مفهوم جبران را به معنای واقعی آن در نظر بگیریم که وضعیت مجنی علیه را دقیقاً در وضعیت قبل از ارتکاب جرم قرار دهد، باید بگوییم که چیزی به نام جبران واقعی خسارت بدنی وجود ندارد. زیرا هیچ گاه نمی‌توان وضعیت مجنی علیه را دقیقاً در وضعیت قبل از ارتکاب جنایت عمدی و یا غیر عمدی قرارداد. حتی در زمانی که بتوان تمام آثار ناشی از جنایت را در جسم و بدن مجنی علیه از بین برد، لیکن آلام و دردهایی که مجنی علیه متحمل شده است، قابل جبران نیستند. پس، جبران واقعی خسارت بدنی امکان پذیر نیست، لیکن می‌توان به این مفهوم نزدیک شد، جبران واقعی خسارت بدنی نیاز به بررسی دقیق هر خسارت بدنی و در نظر گرفتن تمامی خسارت‌های ناشی از آن است. در نتیجه نمی‌تواند یک مبلغ و میزان از قبل تعیین شده باشد. به عبارت دیگر در جبران واقعی خسارت بدنی، دست قاضی باید کاملاً باز باشد و محدود به ارقام و اعداد تعیین شده قبلی نباشد. در اکثر موارد خسارت توسط قاضی تشخیص داده می‌شود و دادگاه وظیفه دارد که رابطه سببیت، میزان خسارت و میزان جبران را مورد بررسی قرار دهد. در این قسم از جبران است که مسأله ارزیابی خسارت و لزوم رعایت اصل جبران کامل خسارت وجود دارد.

۴. نتیجه گیری

دیه در فقه اسلامی نوع عوض و خسارت وارده بر نفس یا عضو است یعنی دیه تعویض شرعی است که مبنای شارع از وضع ابتدایی آن حمایت و احقاق حق مصدوم است که در عرف از آن به خسارت تعبیر می‌شود. لزوم جبران خسارات بدنی، نظام‌های حقوقی مختلف را به سمت تعریف، تعیین و تبیین ساز و کارهای لازم برای جبران خسارات بدنی هدایت می‌کند. در این بین

شیوه‌ها و ساز و کارهای مورد پذیرش در هر کشوری، از یک‌طرف بایستی با قواعد کلی و ساختار آن نظام حقوقی سازگار بوده و از طرف دیگر بتواند بهترین راه حل را برای جبران خسارات بدنی ارائه دهد.

نهاد حقوقی دیه به عنوان، ساختار تعریف شده برای جبران خسارات بدنی در ایران با نواقص و چالش‌های متعددی روبروست، از جمله می‌توان به اختلاف در تعریف عضو، تغییرات در خسارات بدنی، اعمال دیه نفس بر برخی از اعضا، مغایرتهای قانون مجازات اسلامی در احکام دیه با علم پزشکی، تردید در مفهوم و سلامت عضو و سکت بودن در مورد دیه برخی اعضا اشاره نمود، که در مجموع اجازه تحقق برای رسیدن به یک جبران خسارت بدنی واقعی و عادلانه را نمی‌دهد. لیکن این بدان معنی نیست که در همین وضعیت موجود، راهکارهایی برای نزدیک شدن به جبران کامل خسارات بدنی وجود ندارد. به عبارت دیگر نظام دیه می‌تواند با قبول اصلاحات و راهکارهایی کهدر ادامه بیان می‌شود، به نظامی تبدیل شود که به هدف نهایی جبران عادلانه و کامل خسارت منجر شود و در این صورت می‌تواند از یک‌طرف در ارائه معیار استاندارد جهانی برای جبران کامل خسارت بدنی به عنوان یک ایده و روش مطرح بوده و حتی مورد الگوبرداری نیز قرار گیرد

۱- یکی از چالش‌های اصلی نظام دیه اعضا، فقدان تعریف قانونی و دقیق از عضو است، لذا لازم است قانون‌گذار مفهوم عضو و مصادیق آن را به طور دقیق مشخص نماید

۲- پرداخت دیه مقطوع در مورد برخی از اعضا ناکارآمد است، به عنوان مثال، ماده‌ی ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ «نامطلوب» تلقی می‌گردد، زیرا پرداخت دیه‌ی مقطوع در اتلاف اعضای داخلی تناسب بین «جرم با مجازات» یا تناسب «صدمه با جبران خسارت» وارده را زیر سؤال خواهد برد و در اعاده‌ی بزه دیده به وضع سابق یا بازداشتن بزه کار از پرداخت خسارت بیشتر موفق نخواهد شد. لذا تعیین ارزش در مقایسه با دیه‌ی ثابت به جهت تعیین میزان جبران خسارتی که با فرد «بزه کار» و فرد «بزه دیده» منطبق باشد با عدالت، مطلوبیت بیشتر دارد؛ در نتیجه پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار برای جلوگیری از تشتت آراء و انسجام قضایی در شمول ماده‌ی ۵۶۳ نسبت به اعضای داخلی تجدیدنظر نماید و حکم آن را همچنان مانند گذشته ارزش قرار دهد.

۳- نظریه‌های پزشکی قانونی در خصوص دیه اعضا در موارد بسیاری با مفاهیم حقوقی مورد نظر مقنن، همخوانی ندارد. به عنوان مثال در خصوص جائفه، در حالی که جمع شدن خون جزئی از جائفه است و هر جائفه‌ای همراه با جمع شدن خون است، در نظر گرفتن ارزش برای این موارد، برخلاف فلسفه دیه مقدر جائفه است. ضروری است تا پزشکان قانونی علاوه بر تسلطی که بر مبانی علمی و پزشکی آسیب‌های بدنی دارند، به موازین فقهی و حقوقی دیه و ارزش نیز آشنا شوند.

یکی از مشکلات اجرایی در خصوص دیه این است که هم پزشکان قانونی و هم به تبع آن دادگاه‌ها فقط پایبند به روش‌هایی هستند، که از قبل شناخته‌اند، هر چند منجر به نتایج غیر عادلانه‌ای شود، توسل به یافته‌های جدید پزشکی و راه حل‌های ارائه شده در این خصوص می‌تواند به جبران خسارت‌های عادلانه‌تری منتهی شود..

۴- ضرورت دارد تا پوشش بیمه‌ای کاملی در مورد جبران خسارات بدنی وجود داشته باشد، در خسارات بدنی، هدف اولیه متضرر از جرم، این است که خسارت وی جبران شود و به مسائل دیگر و از جمله مجازات مرتکب، توجه کمتری دارد، به همین دلیل باید به سمتی حرکت کنیم که این هدف محقق شود

۵- یک کمیته تخصصی از فقها، حقوقدانان، پزشکان قانونی در تخصص‌های مختلف، قضات و سایر صاحب نظران، در یک طرح پژوهشی ملی بلند مدت، ضمن رفع مشکلات و چالش‌های ذاتی دیه، به عنوان مدلی در جهت جبران خود آسیب‌های بدنی، آن را ارائه دهند.

۵. منابع

۱- قرآن کریم

۲- ابن ادریس الحلّی، محمد، (۱۴۱۰)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، (سلسله الینابیع الفقهیه) ج ۲۵، بیروت، موسسه فقه الشیعه، الدار الاسلامیه،

- ۳- احمدی، ساسان، (۱۳۹۶ ش)، تحلیل حقوقی - اقتصادی بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی با توجه به آرا مراجع قضایی، چ ۱، تهران، بهشت گمشده .
- ۴- بابایی، ایرج، (۱۳۸۹)، جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، ش ۲۸، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۵- باریکلو، علیرضا، (۱۳۸۲)، جبران خسارت بدنی در فقه اسلامی، مجله مطالعات اسلامی، شماره ۶۱.
- ۶- حاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۸۳)، "قاعده دیه اعضا در فقه امامیه و اهل سنت"، ش ۲، فصل نامه فقه و حقوق.
- ۷- حاجی عزیزی، بیژن؛ غالمی، نگین، (۱۳۹۲)، جایگاه فرض سببیت در مسوولیت مدنی، ش ۲، نشریه پژوهشهای حقوق تطبیقی، دوره هفدهم.
- ۸- حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶)، وسائل الشیعه. ج ۲۹، قم: مؤسسه آل البیت خوانساری.
- ۹- خوانساری، موسی، (۱۳۷۳ق)، رساله فی قاعده نفی الضرر، تهران، مکتب المحمدیه .
- ۱۰- خویی، ابوالقاسم، (۱۳۹۶ق) مبانی تکمله المنهاج، قم بی تا، چاپ دوم .
- ۱۱- سبزواری، عبد الاعلی، (۱۴۱۳) مذهب الأحکام ج ۲۹، بی جا، موسسه المنار، بی تا.
- ۱۲- سراج، محمد احمد، (۱۴۱۴)، ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی، الطبعة الاولى، بیروت، موسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع-
- ۱۳- شمس، عبدالله، (۱۳۹۲)، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، چ ۳۲ دوره بنیادین، تهران، انتشارات دراک
- ۱۴- شهید اول، محمد بن مکی، (۱۹۸۰)، القواعد و الفوائد، ج ۲، نجف، منتدی النشر .
- ۱۵- شهید ثانی زین الدین بن علی (۱۴۱۲) الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه سلطان المحشی العلما، ج ۲، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۱۶- شهید ثانی، زین الدین جلی عاملی، الروضة البهیه، چاپ سوم، مرکز نشر تبلیغات اسلامی (۱۳۶۷ش)
- ۱۷- صادقی، محمدهادی، (۱۳۹۴)، جرایم علیه اشخاص، چ ۲۱، تهران، میزان.
- ۱۸- طالع زاری، علی، (۱۳۹۶)، واکاوی تاثیر زمان و مکان بر اقسام شش گانه دیه، گرگان، انتشارات نام آوران ماندگار.
- ۱۹- ملی (الشهید الثانی)، (۱۴۱۳)، زین الدین بن علی، مسالک الإفهام، ج ۱۰، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، الطبعة الأولى.
- ۲۰- العلامة الحلی، (۱۴۰۹) تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب امامیه، شش جلدی، ج ۵، قم، موسسه امام صادق (ع).
- ۲۱- علی محمدی، علی محمد، (۱۳۹۴)، نکات کاربردی پزشکی قانونی برای حقوق دانان و پرسنل قضایی و انتظامی، چ ۱، تهران: سازمان پزشکی قانونی کشور، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی.
- ۲۲- ادریس، عوض، احمد (۱۳۷۲): دیه، ترجمه علیرضا فیض، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲۳- الفاضل الهندی، بهاء الدین محمد بن الحسن الأصفهانی، (۱۴۱۶ ق)، کشف اللثام، ج ۱۱، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الأولى
- ۲۴- قانون مجازات اسلامی
- ۲۵- فروتن، کاظم و روشن، محمد، (۱۳۸۹)، بررسی فقهی، حقوقی و پزشکی ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی، ش ۲، فقه پزشکی.

۲۶- الماوردی، أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب، (۱۴۱۹)، **الحاوی الکبیر**، ج ۱۲، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.

۲۷- المحقق الحلّی، (۱۴۰۸) **شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام**. ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.

۲۸- محمودیان اصفهانی، کامران و دیگران، (۱۳۹۶)، **جستاری در باب جنایت بر اعضای داخلی: بازخوانی انتقادی نظریه دیه معین**، ش ۱۹، پژوهش حقوق کیفری.

۲۹- معزی ملایری، اسماعیل، (۱۳۷۳ ش)، **جامع الاحادیث الشیعه**، چاپ اول، قم، مؤلف -

۳۰- مرکز تحقیقات فقهی، (۱۳۸۲)، **مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری**، قم، چاپ دوم، جلد اول

۳۱- مردوخ، رشاد، (۱۳۷۵)، **فرهنگ اصطلاحات علوم پزشکی، برگرفته از فرهنگ اصطلاحات علمی و فنی مگ گروهیل**، ج ۱، تهران، نشر نی.